

نوشتن در تاریکی

محمد یعقوبی

www.ketab.ir



نشر اختران

سرشناسه	: یعقوبی، علی، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: نوشتن در تاریکی : نمایشنامه/ محمد یعقوبی.
مشخصات نشر	: تهران : اختران، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۹۱ص.؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک	: 978-964-8897-82-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: چاپ قبلی: نشر ناکجا، ۲۰۱۲ م. = ۱۳۹۱.
موضوع	: نمایشنامه فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴ ج ۸ ت ۳۳۴ PIR
رده بندی دیویی	: ۶۲/۲۸۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۱۵۹۳۴



نشر اختران

نوشتن در تاریکی

نمایشنامه

نویسنده: محمد یعقوبی

طرح جلد: بتی بربران

چاپ نخست: ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: بهمن

کارگر جنوبی - روانمهر - پلاک ۱۵۲ - ط ۲ - تلفن: ۶۶۴۱۰۳۲۵ - ۹۰ Akhtaran

www.Akhtaranbook.ir

Email: Akhtaranbook@yahoo.com

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۰۴۷-۳

همه‌ی حقوق محفوظ است. هرگونه اقتباس یا استفاده از متن بدون اجازه‌ی مؤلف ممنوع است

چندین چرا و چند چون

محمد یعقوبی: در نمایش نامه‌هایم خواهید دید که پیش‌وندها و پس‌وندها را واژه‌های ترکیبی را جدا و بی‌فاصله نوشته‌ام، مثلن «بیچاره» را «بی چاره»، «بیشتر» را «بیش تر»، «امروز» را «ام روز»، «دوار» را «دش وار» یا «نمایش‌نامه» را «نمایش نامه» نوشته‌ام. چرا؟ چون خواننده خواهر است و سازگارتر با ساختار دستور زبان فارسی، گریزات در برداشتن معنا پس فهمیدنی‌تر، همراه‌تر با آوای کلام و البته یک دست‌نویس دورتر از سرهم‌نویسی‌پر استثنای اما شاید جاهایی ببینید که پس‌وند یا پس‌وندی به واژه‌ی قبل یا بعد خود چسبیده‌است، مثل «کردکانه» را همین‌طور می‌نویسم، چرا؟ چون مهم‌ترین معیارم آوای کلام است، وقتی که پس‌وندی آوایش با واژه‌ی اصلی گره خورده‌است، از موسیقی پی‌روی می‌کنم. همان‌طور که «بیش‌تر» این گونه با «خواناتر» و «آوانگارتر» است، «کودکانه» چسبیده به هم خواناتر و آوانگارتر است. «کودکانه» یا «ساختار» را جدا نوشتن هم موسیقی را مخدوش می‌کند هم معنا را. اما «بیش‌تر» را همین‌طور جدا نوشتن هم به آوای کلام پای‌بند است هم به معنای آن.

و خواهید دید که واژه‌های تنوین‌دار را با حرف «ن» نوشته‌ام چون آوانگارتر است.

و خواهید دید که «زندگی» را «زنده‌گی»، «خستگی» را «خسته‌گی» نوشته‌ام. چرا؟ چون لزومی ندارد «ه»

توسری خورده‌ی مشهور به «های» ناملفوظ را حذف کنیم. چرا «ه» را حرف زایدی بپنداریم و «گ» را جای‌گزین آن؟ این رفتار با «ه» فقط خوارپنداشتن این حرف سیاه‌بخت نیست، «گ» را هم در حد یک مزدور جای‌گزین خوار می‌کند. به سود زبان هم که است، پراستنان‌کردن زبان است. پس به‌تر است «گ» را نه جای‌گزین «ه» بل که حرف میان‌جی بپنداریم، میان‌جی برای خوش‌آوا شدن.

و نما در نمایش‌نامه‌هایم ضمیر متصل نخواهید دید، ضمیر در نمایش‌نامه به اسم هم‌واژه جدا از واژه‌ی بعد از خود ولی بی‌فاصله نوشته شده است. چون مثلن «بهت» را در معنای «به تو» اگر «بهت» بنویسیم مخ‌خاناتر است هم دریافتنی‌تر. راستی چرا پس «خواندنی» را «خانانی» «خواستن» را «خاستن» نمی‌نویسم؟ چون تا امروز هیچ‌گاه اندک واژه‌های بی‌نوایی را که به این‌گونه نوشتن ویژه‌اند و دلیل ریختن خود را دارند از ریخت بپندازم.

و «ه» به‌تهایی در پایان جمله‌ها کوتاه‌نویس است. «است» است. پس «کیه» را «کی» می‌نویسم، «چی» را «چی» می‌نویسم. چرا؟ چون خوش‌م نمی‌آید در محاوره‌نویسی «ه» را در معنای «است» بی‌دلیل به واژه‌ی پیش از خود می‌چسبانند. و خواهید دید که...

۱. واقعن؟ ← ۹
۲. انگشتت از توی دماغت درآرا! ← ۱۳
۳. برتولت برشت ← ۲۰
۴. بهره‌وری ← ۲۸
۵. ماهی فاش با بیست و پنج سفید ← ۳۹
۶. قال چرچیل ← ۴۴
۷. بچه‌ها و قورباغه‌ها ← ۵۶
۸. بایدل رات ← ۶۱
۹. دیگماتون باش ← ۷۴
۱۰. یسنین و ما کوف می ← ۸۱
۱۱. سلام ← ۸۸